

## گوشه‌هایی از دیدگاه‌های

### لف نیکلایویچ تالستوی درباره اسلام

MARZIEH YAHYAPOUR

#### دکتر مرضیه یحیی‌پور، استادیار دانشکده زبانهای خارجی

##### چکیده:

مقاله نخست اشاره به موضوع تأثیرگذاری قرآن، مذهب اسلام و فرهنگ ایران بر روی نویسندگان روس دارد، سپس نظریات یکی از نویسندگان برجسته ادبیات روسیه، لف نیکلایویچ تالستوی، راجع به اسلام آورده می‌شود. تالستوی ضمن مقایسه اسلام با دیگر ادیان، منجمله ارتودوکس، به این نتیجه می‌رسد که اسلام با توجه به اینکه آخرین دین است و عاری از خرافات و تحریفی است که دیگر ادیان به آن آلوده شده‌اند، می‌تواند نسبت به همه ادیان ارجح باشد.

##### کلیدواژه:

۱- لف نیکلایویچ تالستوی . ۲- اسلام . ۳- قرآن . ۴- مثنوی . ۵- چوپان و شبان . ۶- ارتودوکس .

وجود مرزهای طویل و مشترک ایران و روسیه از دیرباز زمینه ارتباطات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دو ملت ایران و روس را فراهم ساخته است. ناگفته نماند که نقش عمده در این ارتباطات، بالاخص فرهنگی را، سرزمین افسونگر قفقاز یعنی سرزمین حاجی مرادها<sup>(۱)</sup> و مناطق مسلمان نشین روسیه ایفا نموده است. بعد از الحاق قفقاز به روسیه در طی دو جنگ با ایران و دو جنگ با عثمانی و قرار گرفتن بخش‌های مسلمان‌نشین قفقاز در خاک روسیه، نشر فرهنگ مذهبی ایران به عنوان یک کشور اسلامی و عطش آشنایی با کلام خدا، یعنی قرآن، به میزان چشم‌گیری گسترش یافت. در زیر این چتر فرهنگی - دینی، ادیبانی چون میخائیل یورویچ لوماتف (۱۸۴۱-۱۸۱۴)، الکساندر سرگیویچ پوشکین (۱۸۸۱-۱۸۲۱)، لف نیکلایویچ تالستوی (۱۹۱۰-۱۸۲۸)، ایوان آلکسیویچ بونین (۱۹۳۰-۱۸۷۰) ... نیز قرار گرفته‌اند.

این تأثیرات در اشعار پوشکین و لرمانتف و در آثار بونین و در آثار تالستوی به وضوح به چشم می‌خورد. برای نمونه می‌توان به لرمانتف اشاره نمود. این ارتباط فرهنگی باعث شد که لرمانتف شوق دیدن مکه و ایران را در سر بیوراند:

«من برنامه سفر به مکه و ایران و غیره را ترتیب داده‌ام...»<sup>(۲)</sup>

در شعر "تأسی از قرآن" پوشکین می‌بینیم که شاعر نابغه روس با مطالعه قرآن، سلسله قسم‌هایی را از سوره‌های مبارکه الضحی، فجر، الطارق، العصر گرفته و شعرش را با سوگندهای قرآنی آغاز نموده است و در ادامه با استفاده از دیگر سوره‌های مبارکه قرآن ابیات به یاد ماندنی را سروده است.

ایوان بونین در یکی از اشعارش می‌گوید:

ملعون کسی است

که گوش به نوای قرآن نمی‌سپارد

ملعون کسی است

که در دلش شوق نیایش و نبرد خموش است

از دیگر بزرگان اهل ادب روس می‌توان از نویسنده نابغه و بزرگ یعنی لف نیکلایویچ تالستوی نام برد که خداشناسی را به شیوه شبان مولوی اما نه موسی وار، می‌پسندد. لف تالستوی یکتاپرستی اسلامی را بر تثلیث مسیحیت ارجح می‌داند و به قرآن و سخنان حضرت محمد (ص) ارجح می‌نهد.

تالستوی از سالهای جوانی با قرآن، آداب و سنن اسلامی، با شاعران و نویسندگان مسلمانی چون فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ آشنا شد او از منابع اسلامی و گفتار دانشمندان مسلمان بهره‌مندی گرفت. از این روست که می‌بینیم در جواب (هشتم جولای ۱۹۰۸، یاسنایا پالیانا) به نامه‌ای. ای. سالایف کشیش و نویسنده مذهبی که از تالستوی خواسته بود به کلیسا بپیوندد با استفاده از ابیات مثنوی مولوی جواب او را می‌دهد:

«دید موسی یک شبانی را به راه	کسو همی گفت ای خدا و ای اله
تو کجایی تا شوم من چاکرت	چارقت دوزم کنم شانه سرت
... زین نمط بیهوده می‌گفت آن شبان	گفت موسی با کیستت ای فلان
... چارق و پا تا به لایق مر تراست	آفتابی را چنین‌ها کسی رواست
... وحی آمد سوی موسی از خدا	بنده‌ما را ز ما کردی جدا
... هر کسی را سیرتی بنهاده‌ایم	هر کسی را اصطلاحی داده‌ایم
... در حق او مدح و در سو تو ذم	در حق او شهد و در حق تو سم
... ما برون را ننگریم و قال را	ما درون را بنگریم و حال را»

در ادامه، تالستوی ضمن بیان این مطلب که از این حکایت خیلی خوشش می‌آید از سالایف می‌خواهد به او، آنگونه بنگرد که به چوپان می‌نگرد، او می‌نویسد: «قلب من هم مثل

قلب چوپان آرام است و می ترسم آنچه را که دارم از دست بدهم، این همان چیزی است که به من آرامش و خوشبختی می دهد.»<sup>(۳)</sup>(۴)

لف تالستوی که به راحتی تسلیم هر اندیشه و مکتبی نمی شود، بعد از سالها مطالعه و بررسی مذاهب گوناگون الهی و بشری، بنا به نظر خودش بهترین را برگزید. لف تالستوی با مطالعه اسلام به یگانگی خداوند پی می برد و برخلاف مذهب ارتودوکس<sup>(۵)</sup> که معتقد به خدای سه گانه (تثلیث) است، اعتراف به یگانگی خدا دارد.

در اینجا با گوشه‌هایی از دیدگاه نویسنده در مورد اسلام آشنا می شویم.

لازم به یادآوریست که این نظریات جواب<sup>(۶)</sup> به نامه مورخ دوم مارس ۱۹۰۹ خانم یلنا یفیمونا وکیلوا است که از تفلیس برای تالستوی فرستاده و در آن در مورد دو پسرش نوشته که یکی دانشجوی انستیتو تکنولوژی در پترزبورگ و دیگری دانشجوی دانشکده افسری در مسکوست، آن دو از مادرشان خواسته‌اند که به آن‌ها اجازه دهد تا به اسلام بگردند.

خانم وکیلوا در نامه‌اش می نویسد: «دلیلی که پسرانش را برانگیخته اساس و پایه حیاتی ندارد. بلکه فقط آرزوی کمک به این مردم... تاتار آنها را به این سمت می کشاند؛ و اما دینشان برای نزدیکی با این مردم و وارد اجتماع آنها شدن مانع از این کار است.»<sup>(۷)</sup> او از تالستوی می خواهد تا راهنمایی اش کند.

تالستوی در جواب به خانم یلنا یفیمونا می نویسد (۱۶-۱۳ مارس ۱۹۰۹، یاسنایا پالیانا):

«نمی توانم خواسته پسران شما را به خاطر کمک به فرهنگ و معارف مردم تاتار تحسین نکنم، و همین طور نمی توانم در مورد ضرورت گرویدن آن‌ها به اسلام قضاوت کنم. ولی بطور کلی باید به شما بگویم که من ضمن رد دولت، بر این عقیده‌ام که هرگونه اظهار نظر فرمالیته به هر کس را که شخص به چه دینی معتقد است، رد می کنم. به همین دلیل فکر می کنم که پسران شما حتی اگر بخواهند دیدگاههای اسلام را که ارجح بر دیدگاه ارتودوکس است، بپذیرند، لزومی ندارد که در این مورد، یعنی روی آوری از یک دین به دین دیگر را، به کسی اعلام کنند. ممکن است این کار ضروری باشد، اما من نمی توانم در این مورد نظری بدهم به همین دلیل پسران شما باید خودشان تصمیم بگیرند که این مسئله را به مسئولین امر اعلام کنند یا خیر.

آنچه که مربوط به مسئله برتری و ارجحیت دین اسلام به ارتودوکس است و بالاخص که پسران شما انگیزه‌های شرافتمندانه‌اش را ارائه می دهند، من فقط می توانم با تمام وجود نسبت به این روی آوری نظر مساعد دهم. هر قدر گفتن این مطلب عجیب است، برای منی که عقاید مسیحیت و تعلیمات آن به معنای حقیقی اش مافوق هر چیزی است، اما برای من هیچ جای شکی نیست که اسلام با آداب ظاهری اش بطور غیر قابل قیاسی بالاتر از ارتودوکس کلیسایی است.

بدین ترتیب اگر برای انسان دو راه وجود داشته باشد؛ یکی مقید و پایبند بودن به ارتودوکس و دیگری به اسلام، در این صورت هر آدم عاقلی نمی‌تواند در انتخاب شک بکند و هر کسی اسلام را با اصول توحید و نبوتش به جای خداشناسی پیچیده و نامفهوم (سه‌خدایی)، کفار، آداب کلیسا (از قبیل غسل تعمید، مراسم ازدواج، اعتراف، ...)، مریم مقدس، کشیشان و توصیفات و عبادات پیچیده آنها ترجیح می‌دهد، و غیر از این نمی‌تواند باشد، یعنی غیر از این نیست که اسلام به دلیل نداشتن خرافات‌هایی که ماهیت تعلیمات را مبهم می‌سازد و خرافاتی که در دین کلیسا وارد شده، نتواند بالاتر از عقاید کلیسا قرار نگیرد. حتی به‌خاطر یک مسئله، و آن اینکه اسلام حدود ۶۰۰ سال بعد از مسیحیت ظهور کرد.

همه چیز در دنیا توسعه می‌یابد، تکامل می‌یابد، همانطور که یک فرد مشخص تکامل پیدا می‌کند، بشریت نیز تکامل پیدا می‌کند، و همینطور پایه اصلی زندگی همه مردم - یعنی جهان‌بینی مذهبیشان. تکامل مذهب در آسانتر شدنش، در بهتر قابل فهم شدنش و رهایی‌اش از همه آن چیزهایی است که آن را می‌پوشاند، چنین رهایی حقیقت مذهبی از آنچه که او را می‌پوشاند، از زمانهای خیلی قدیم بوسیله بزرگان متفکر بشریت که به عنوان پایه‌گذاران همه ادیان بزرگ هستند، صورت گرفته. مثلاً قبل از همه مذاهب شناخته شده برای ما، چنین درک جدید و عمیق مذهب در کتابهای ودا<sup>(۸)</sup> در هند، بعدها در تعلیمات موسی، بودا، کنفوسیوس<sup>(۹)</sup>، لائوتسو<sup>(۱۰)</sup>، عیسی و محمد داده شده است. همه این بنیانگذاران ادیان جدید که مذهب را از درک و شناخت نادرست و ناهنجار قدیمی رهایی بخشیده‌اند و درکش را عمیق‌تر، ساده‌تر، معقولانه‌تر کردند، انسانهای بزرگی بودند، (اما در هر صورت انسان بودند)، از این رو نمی‌توانستند حقیقت را با وجود همه عمیق و روشن بودنش میرا از همه اشتباهات گذشته ارائه دهند. اما اگر حتی فرض شود که این افراد نمی‌توانستند اشتباه کنند، و هر چیزی که آنها می‌گفتند حقیقت محض بود، آن وقت شاگردان آنها که خیلی از آنها پایین‌تر بودند، حقیقت را با وجود همه عمیق بودنش در نیافته، طبیعتاً ضمن تمایل به زینت بخشیدن آن، و اجباری کردنش برای همه، با افزودن موارد غیر ضروری اسرارآمیز، و مشخصاً آن را تحریف کرده‌اند، به همین دلیل برای اکثریت مردم مشکل بود خود حقیقت را با همه معانی‌اش درک بکنند. و این چنین تحریف‌هایی، هر چه که مذاهب بیشتر تبلیغ می‌شدند به همان نسبت بیشتر برای روشن شدن حقیقت توسط بنیانگذارانش افزایش یافت و حقیقت را نامفهوم کرد. و به همین دلیل در قدیمی‌ترین ادیان بیشتر مسائل سحرآمیز و هرگونه خرافاتی که حقیقت را می‌پوشاند وجود دارد، بیشتر از همه در

قدیمی‌ترین یعنی در آیین برهمنی (۱۱)، بعد در یهودیت، بودایی، کنفوسیوسی، لائو تسویی و مسیحیت که به ترتیب کمتر کمتر شده و در آخرین دین، یعنی در اسلام از همه کمتر است.

و به همین دلیل اسلام از این لحاظ سودمندترین شرایط را داراست. اسلام لازم است که همه چیزهای غیر طبیعی، ظاهری‌اش را در اصول دین کنار بگذارد و در پایه اعتقادات، تعلیمات اساسی مذهبی - اخلاقی محمد (ص) را قرار دهد، و این طبیعتاً با اصول دیگر مذاهب بزرگ، بالاخص با تعلیمات مسیحیت که خود اسلام اعتراف به حقیقی بودنش دارد یکی است.

به این علت طولانی می‌نویسم، چون فکر می‌کنم که شما افکارم را به پسرانتان منتقل می‌کنید و این افکار در عملی ساختن هدف عالیشان به دردشان می‌خورد. همکاری و مساعدت در جهت مبرا ساختن مذهب از همه آن چیزی که حقایق بزرگی که موجودیت آنها را تشکیل می‌دهد، تیره می‌سازد. یکی از بهترین کارهایی که یک انسان می‌تواند برگزیند، اگر پسران شما این کار را هدف زندگی خود قرار دهند، در این صورت زندگی آنها کامل و سعادت‌مند خواهد بود.

خوشحال خواهم شد اگر نصایحم حتی برای یک مقدار اندکی هم که شده به درد بخورند، شما یا پسرانتان در مورد تصمیم و اقدامات بعدی مرا مطلع سازید. (۱۲)

## □ پی‌نوشت‌ها

۱- «حاجی مراد»: یکی از آثار لف نیکلایویچ تالستوی است که در سال ۱۹۰۴ به چاپ رسید و مربوط به تاریخ جنگهای قفقاز است که طی سالهای ۱۸۱۷ تا ۱۸۶۴ در جچن جریان داشته. در اواخر سالهای ۲۰ قرن ۱۹ در جچن و داغستان جنبشی به نام «غزوات» علیه روسها بنیان نهاده شد که توسط روحانیون هدایت می‌شد. از رهبران این جنبش می‌توان امام شمیل را نام برد. وی نوایی داشت که یکی از آنها حاجی مراد است. لف تالستوی اثر «حاجی مراد» را براساس زندگی این جنگجوی مسلمان مبارز و حوادث تاریخی جنگهای قفقاز ساخته است.

۲- ت. ی. گارلائف: در جستجوی ایده‌آل مثبت. پترز، ۱۹۸۹، ص ۳۰۷.

۳- مجموعه آثار لف نیکلایویچ تالستوی در ۹۰ جلد، جلد ۷۸، ص ۱۷۸.

۴- لف تالستوی با ترجمه حکایت «موسی و شبان» در سال ۱۸۹۷ که در «مجموعه مسکو» چاپ شده بود، آشناگردید.

تالستوی برخلاف کلیسای ارتودوکس معتقد به بگانگی خدا بود و به همین علت کلیسای ارتودوکس او را تکفیر

- کرد. ناگفته نماند دلایل دیگری نیز به این مسئله شدت بخشید، برای مثال، تالستوی معتقد بود هر انسان گناهکاری می‌تواند شخصاً در درگاه خداوند اعتراف و توبه کند و نیازی به واسطه یعنی کشیش ندارد.
- ۵- مذهب ارتودوکس، کلیسای ارتودوکس: یکی از مذاهب مسیحیت که کلیسای آن در سال ۱۰۵۴ میلادی از کاتولیک (کلیسای رم) مجزا و مستقل گردید. مذهب مردم روسیه ارتودوکس است.
- ۶- درگ. ام. ت. (موزه دولتی تالستوی)، سه چرک‌نویس این جویبه به تاریخهای سیزدهم، پانزدهم و شانزدهم مارس ۱۹۰۹ میلادی موجود است.
- ۷- همان مجموعه. ج ۷۹، ص ۱۲۰.
- ۸- ودا: نام کتاب‌های مذهبی هندوان (برهمنی) است. معنای تحت‌اللفظی آن «دانش» و «معرفت» است. آثار تاریخی ادبیات هند باستان (اواخر ۲۰۰۰ و اوایل ۱۰۰۰ قبل از میلاد) که به زبان هندی قدیم نگاشته شده است، و مهمترین منبع تاریخی هند به شمار می‌آید. (دایرةالمعارف مصور. مسکو، ۱۹۹۵)
- ۹- کنفوسیوس: متفکر چین باستان (۵۵۱-۴۷۹ قبل از میلاد) است. مهمترین نظریاتش در کتاب «لون یو» به معنای «بحث‌ها و عقاید» آورده شده است. (دایرةالمعارف مصور. مسکو، ۱۹۹۵) وی پدید آورنده طریقتی اخلاقی بود که اساس آن بر صمیمیت نسبت به سنن ملی و قومی و خانوادگی است. این دانشمند در چین به مقام رهبری دینی رسیده و برخلاف مللی که پیغمبر را فرستاده خدا می‌دانند، چینیان کنفوسیوس را فقط راهنما و آموزگاری دانا و روشنفکر می‌شناسند. (فرهنگ معین. جلد ۶، اعلام، تهران، ۱۳۷۷)
- ۱۰- لائو تسو: فیلسوف چینی، وی مؤلف کتاب «راه پرهیزگاری» می‌باشد. (فرهنگ معین. جلد ۶، اعلام، تهران، ۱۳۷۷)
- ۱۱- برهمنی: دین قدیم هندوان. پیروان این فرقه به سه خدا یا رب‌النوع معتقدند؛ ۱- برهما، خدای بزرگ ۲- ویشنو (محافظ) آمرکابنات ۳- شیوا (مخرب) خراب‌کننده موجودات. (فرهنگ معین. جلد ۵، اعلام، تهران، ۱۳۷۷)
- ۱۲- همان مجموعه. ج ۷۹، صص ۱۲۰-۱۱۸، مسکو، ۱۹۵۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی